

رابطه رفتار والدین و پایگاه اجتماعی - اقتصادی با تماشای خشونت تلویزیونی و تأیید و توسل به آن در کودکان

دکتر رضا فاضل*

پذیرش نهایی: ۸۷/۲/۲۰

تجدیدنظر: ۸۷/۱/۱۸

تاریخ دریافت: ۸۶/۱۱/۲۰

چکیده

مقاله حاضر برگرفته از پژوهشی است که ارتباط بین پایگاه اجتماعی- اقتصادی و تماشای خشونت تلویزیونی را با رفتار خشونت‌آمیز کودکان بررسی می‌کند و تأثیر رفتار خشونت‌آمیز والدین را بر توسل کودکان به خشونت مورد مطالعه قرار می‌دهد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد کودکانی که برنامه‌های خشونت‌آمیز تلویزیونی را بیشتر تماشا می‌کنند و کودکانی که در معرض رفتار خشونت‌آمیز والدین قرار می‌گیرند، بیشتر از دیگر کودکان به خشونت متوسل می‌شوند و به تماشای خشونت تلویزیونی تمایل بیشتری دارند.

واژگان کلیدی پایگاه اجتماعی- اقتصادی، جامعه‌پذیری، خشونت تلویزیونی، خشونت کودکان، رفتار والدین

* دکترای جامعه‌شناسی، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال

Email: Reza fazel-Socio@yahoo.com

مقدمه

موضوع خشونت تلویزیونی و تأثیر آن بر رفتار مخاطبان، بویژه کودکان، یکی از بحث‌انگیزترین موضوع‌های اجتماعی پس از اختراع این رسانه است؛ چنان که تاکنون پژوهش‌های بسیاری درباره تأثیر این رسانه بر مخاطبان انجام گرفته و نتایج گوناگونی از آنها به دست آمده است.

نتیجه بیشتر پژوهش‌هایی که در گذشته درباره تأثیر خشونت تلویزیونی بر رفتار کودکان انجام می‌گرفت، این بود که کودکان قربانیان معصوم و منفعل تأثیرات قدرتمند و منفی خشونت تلویزیونی هستند. پژوهش‌ها بر این فرض استوار بودند که اکثر کودکان به شیوه یکسانی به برنامه‌های خشونت‌آمیز تلویزیونی پاسخ می‌دهند و نسبت به تخریب روانی ناشی از این برنامه‌ها آسیب‌پذیرند. اما به تازگی پژوهشگران جامعه‌شناسی ارتباط جمعی معتقدند این دیدگاه که تلویزیون تأثیر مستقیمی بر کودکان دارد، بسیار یکسویگر است و در واقع با این دیدگاه تأثیر عوامل مختلف اجتماعی و نیز باریک‌بینی و فعال بودن کودکان به عنوان مخاطب، نادیده گرفته می‌شود. امروزه اکثر جامعه‌شناسان این ادعا را رد می‌کنند که رسانه‌ها، بویژه تلویزیون، دارای قدرت مطلق هستند. از نظر آنان، اکنون دیگر تلویزیون تأثیر مستقیمی بر مخاطبان از جمله کودکان ندارد و این اندیشه که امروزه تلویزیون همه مخاطبان را به‌طور یکسان تحت تأثیر قرار می‌دهد، بسیار ساده‌اندیشانه است. در واقع اکثر تحلیل‌گران این گزاره را پذیرفته‌اند که مخاطبان بر اساس تجربه‌های ذهنی، شناخت فرهنگی و ویژگی‌های اجتماعی خود صحنه‌های خشونت‌آمیز تلویزیون را به گونه‌های متفاوتی تماشا و درک می‌کنند. این مسئله که تماشای خشونت تلویزیونی از سوی کودکان برای والدین آنان مشکلی بزرگ و نگران‌کننده به‌شمار می‌رود، به این بحث تبدیل شده است که باید به انگیزه تماشا و لذتی که از این صحنه‌ها برای کودکان مختلف حاصل می‌شود، توجه بیشتری نشان داد. پژوهشگران معاصر دلایل زیر را برای رد تأثیر مستقیم صحنه‌های خشونت‌آمیز تلویزیون بر کودکان ارائه می‌دهند: (گانتر^۱ و هریسون^۲، ۱۹۹۸).

1. Gunter

2. Harrison

- با وجود چند دهه پژوهش، همبستگی بین خشونت تلویزیونی و رفتار ضداجتماعی کودکان بسیار ضعیف و محدود است و نمی‌توان از آن دفاع کرد.
- بسیاری از مطالعات، معنای خشونت تلویزیونی را برای کسانی که آن را تماشا می‌کنند و کسانی که مرتکب آن می‌شوند، نادیده می‌گیرند.
- کودکان گروه همگونی نیستند و در پژوهش‌های مربوط به تأثیر خشونت تلویزیونی بر رفتار کودکان باید به متغیرهای سن، جنس، پایگاه اجتماعی-اقتصادی و قومیت نیز توجه کرد.
- کودک هویت ثابتی ندارد. هویت او در محیط اجتماعی و در تعامل با افراد پیرامون شکل می‌گیرد.
- کودکان بسیار باریک‌بین‌تر و دقیق‌تر از آن هستند که پژوهشگران پیشین تصور می‌کردند. درباره تأثیر تماشای خشونت تلویزیونی بر رفتار کودکان پژوهش‌های زیادی در کشورهای مختلف جهان، بویژه آمریکا و اروپا انجام گرفته است و هر یک، برحسب روش‌های گوناگون پژوهش، نتایج متفاوتی به‌دست داده‌اند. اما درباره اینکه چرا این پژوهش‌ها نتایج متفاوتی دارند، چرا تمام کودکان به یک اندازه تحت تأثیر خشونت تلویزیونی قرار نمی‌گیرند و چرا تماشای خشونت گذشته از آنکه تأثیری بر نگرش و رفتار برخی از کودکان بر جای نمی‌گذارد، باعث آرامش و تخلیه هیجانی آنان نیز می‌شود، تحقیقات کمی انجام شده است.

مروری اجمالی بر مفهوم خشونت و خشونت تلویزیونی

بسیاری از تعاریف خشونت بر رفتارهایی متمرکز هستند که درد، زخم یا رنج بدنی یا روانی یا هر دوی آنها را بر فرد وارد می‌سازند. از دیدگاه ارتباطات، این رفتارها به منزله اعمال یا کنش‌های با قصد تعریف شده‌اند. به علاوه ممکن است این اعمال یا کنش‌ها، لفظی، غیرلفظی یا ترکیبی از هر دو باشند. همچنین، از آنجا که خشونت مستلزم عناصر قدرت و کنترل است، می‌توان توانایی اعمال اراده یک نفر را نیز (برای مثال خواسته‌ها، نیازها یا آرزوها) بر فرد یا افراد دیگر در تعریف خشونت گنجانده (گوئتر و هریسون، ۱۹۹۸).

سرانجام در بیشتر تعریف‌های ارائه‌شده از مفهوم «خشونت»، مسئله میزان، نوع و مناسبت مطرح می‌شود. برای مثال آیا تنبیه کودکان از سوی والدین را می‌توان خشونت

نامید؟ برخی از دانشمندان علوم اجتماعی خاطرنشان می‌سازند که خشونت فیزیکی، حتی اگر کارآمد باشد (یعنی نتایج مورد نظر را به بار آورد) توجیه‌پذیر نیست؛ از نظر آنان برای حل مسائل و مشکلات، راه‌های بهتری وجود دارد. سرانجام گروهی حد وسط را می‌گیرند و اعتقاد دارند که هرگاه فرد در موقعیت دفاع از خود و ممانعت از قرار گرفتن در معرض سوءاستفاده باشد، می‌تواند به خشونت متوسل شود.

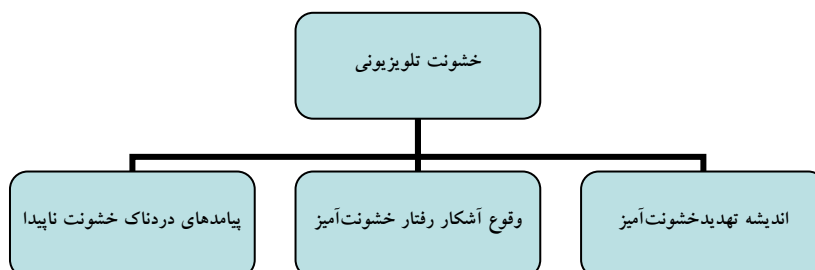
گرینر^۱ و همکارانش (۱۹۹۴) که مدت بیست سال در دانشکده ارتباطات آنبرگ^۲ در پنسیلوانیا درباره تحلیل برنامه‌های تلویزیون در ایالات متحده فعالیت می‌کردند، خشونت را چنین تعریف می‌کنند: «اعمال آشکار نیروی بدنی (با سلاح یا بدون سلاح) علیه خود یا دیگری، اعمال کنش علیه اراده شخص دیگری که باعث جراحت یا کشتن او یا مجروح کردن یا کشتن فرد سومی شود.»

این تعریف، خشونت را تنها به آسیب رساندن فیزیکی محدود کرده و اشکال دیگر رفتار خشونت‌آمیز را که به‌طور روزمره در تلویزیون نمایش داده می‌شود، لحاظ نکرده است. چنان‌که فردریش^۳ و استاین^۴ (۱۹۷۳)، خاطرنشان کرده‌اند، در بیشتر پژوهش‌هایی که درباره محتوای تلویزیون و رفتار انجام گرفته، تعریف خشونت به جراحت فیزیکی محدود شده و خشونت کلامی، تمسخر پرخاشگرانه و کنترل بر افراد دیگر از طریق تهدید یا اجبار که در برنامه‌های تلویزیونی بسیار متداول است، در بسیاری از پژوهش‌ها مورد اشاره قرار نگرفته است.

انجمن تلویزیون کابلی ملی ایالات متحده در سال ۱۹۹۷ گزارش پژوهشی سه ساله (۱۹۹۷-۱۹۹۴) را درباره خشونت تلویزیونی منتشر کرد. در این پژوهش، روش‌شناسی بسیار دقیقی به‌کار رفته بود (شکل ۱) که در آن نه تنها کمیت خشونت تلویزیونی بلکه ماهیت صحنه‌های خشونت‌آمیز و زمینه وقوع آن نیز تشریح شده بود (پاتر^۵ و وارن^۶، ۱۹۹۶؛ ویلسون^۷ و همکاران، ۱۹۹۶).

1. Gerbner
2. Annenberg
3. Fredrish
4. Stein
5. Potter
6. Warren
7. Wilson

شکل 1- ماهیت صحنه های خشونت آمیز



اندیشه تهدید خشونت آمیز، موقعیت‌هایی را دربر می‌گیرد که فردی شخصی را به‌نحوی تهدید می‌کند و احتمال قریب به یقین آن وجود دارد که خشونت در پی تهدید اعمال شود. در این شرایط عامل خشونت، برای انجام این عمل ابزارهای واضح و روشنی را در اختیار گرفته است.

پیامدهای دردناک خشونت ناپیدا، حالت‌هایی را دربر می‌گیرد که شخص نوعی درد یا ناراحتی را توصیف می‌کند و در واقع ممکن است آسیب بدنی واقعی نیز نشان داده شود و سرنخ‌های دیگری از متن داستان چنین القا می‌کند که وی قربانی خشونت است (پاتر و وارن، ۱۹۹۶، ویلسون و همکاران، ۱۹۹۶).

در این پژوهش بر زمینه بروز خشونت تأکید بسیاری شده است تا چارچوب دقیق تحلیل، ارائه طبقه‌بندی جامعی از خشونت را برحسب طیفی از صفات ممکن سازد، که عبارت است از: محیط حساس خشونت، زمینه انگیزشی خشونت، وضوح خشونت، ماهیت مرتکبان و قربانیان خشونت و شکل فیزیکی خشونت. همه این عوامل، بر حسب میزان اهمیت آنها به منزله واسطه‌های واکنش مخاطبان به تشریح خشونت (به‌گونه‌ای که براساس متون پژوهشی درباره تأثیر خشونت تلویزیونی علامت‌گذاری شده)، به‌طور منطقی توجیه شده‌اند (ویلسون و همکاران، ۱۹۹۶).

چنان که هاج^۱ و تریپ^۲ (۱۹۸۶) خاطر نشان می‌سازند، خشونت می‌تواند به منزله مفهومی چندوجهی تلقی شود که معرف فرآیندی یگانه یا مجموعه واحدی از فرآیندها نیست. خشونت می‌تواند به لحاظ میزان توجیه‌پذیری پیامدها و نیت‌های مرتکب‌شونده

1. Hodge

2. Tripp

آن، متفاوت باشد. یک روش اندازه‌گیری کامل‌تر می‌تواند بروز اشکال مختلف خشونت کلامی و تصاویر خشونت‌آمیز را شامل شود. اینکه استفاده از زور یا وارد کردن آسیب یا جراحت، خشونت تلقی شود، بستگی کامل به شماری از طبقه‌بندی‌های مرتبط با شرایط پیرامون کنش دارد. متن یا زمینه کلی‌ای که در آن کنش به وقوع می‌پیوندد، بنا بر آنکه بیننده چگونه رویدادها یا صحنه‌ها را تفسیر می‌کند، تأثیر مهمی بر جای می‌گذارد. نمی‌توان خشونت تلویزیونی را به‌سادگی به منزله ارزشی اسمی در نظر گرفت. اعمال خشونت با هنجارهای اجتماعی، ارزش‌های شخصی و شکل خاص عمل و زمینه بروز آن ارتباط دارد (گونتر و هریسون، ۱۹۹۸).

ابعاد و عناصر مهم خشونت و خشونت تلویزیونی

به راستی چه اعمالی را باید مشمول عنوان کلی خشونت دانست؟ چنان که پیشتر از این تشریح شد، مفهوم خشونت شامل رفتار واحدی نیست بلکه حاوی مجموعه‌ای از رفتارهاست. این موضوع را ولیسر^۱، گوویا^۲، شریکو^۳ و کوریوو^۴ (۱۹۸۵) با استفاده از فهرست [درجات] خشونت که باس^۵ و دورکی^۶ (۱۹۷۵) ابداع کرده‌اند، بررسی نموده و هفت جنبه خشونت را یافته‌اند:

۱. حمله (خشونت فیزیکی علیه دیگران)
۲. خشونت غیرمستقیم (بدگویی مغرضانه، محکم بستن در، به راه انداختن داد و فریاد)
۳. زود رنجی (بدخلقی، نق زدن، بهانه گرفتن، گستاخی، زودخشمی)
۴. منفی‌گرایی (موضع‌گیری، مخالفت مداوم با افراد بالاتر از خود)
۵. نارضایتی (حسادت و نفرت از دیگران بویژه مرتبط با سوء رفتار)
۶. سوءظن (فرافکنی، خصومت نسبت به دیگران، بی‌اعتمادی)

1. Velicer
2. Govia
3. Cherico
4. Corriveau
5. Buss
6. Durkee

۷. ستیزه‌جویی کلامی (جدل کردن، فریاد کشیدن، تهدید کردن و دشنام دادن) بنابراین، خشونت به‌طور کلی دو بعد دارد، نخست، عمل خشونت‌آمیز فیزیکی (یعنی آسیب رساندن جسمی) و دوم، خشونت نمادی (ابراز خشونت به‌طور معمول کلامی است و ابتدا آسیب روحی یا عاطفی به قربانی وارد می‌شود).

با این حال باید در نتیجه‌گیری قاطع از ارتباط بین تماشای خشونت تلویزیونی و رفتار خشونت‌آمیز محتاط بود. شاید کودکانی که زیاد تلویزیون (و در نتیجه خشونت تلویزیونی) تماشا می‌کنند، از سوی والدین خود مورد بی‌مهری قرار گرفته یا طرد شده باشند و به همین دلیل بر اثر تماشای خشونت تلویزیونی، رفتار خشونت‌آمیز در آنها پرورش یابد. بنابراین تماشای خشونت تلویزیونی یکی از چند متغیری است که به رفتار پرخاشگرانه کمک می‌کند. منطقی به نظر می‌رسد که تماشای خشونت تلویزیونی از سوی کودکان را با رفتار پرخاشگرانه آنها مرتبط بدانیم. از نخستین روزهای پیدایش تلویزیون، نگرانی نسبت به نمایش خشونت در برنامه‌های تلویزیونی وجود داشته است. در میان پژوهشگران، درباره وجود ارتباط بین تماشای خشونت در تلویزیون و گرایش به پرخاشگری و رفتار پرخاشگرانه یا انگیزه خشونت، اختلاف نظر زیادی وجود دارد (گونت و هریس، ۱۹۹۵).

پارک^۱ و اسلابی^۲ (۱۹۸۳: ۷۸)، می‌نویسند: «شواهد جمع‌آوری شده حاکی از آن است که ارتباط معناداری بین تجربه کودکان از تماشای خشونت در تلویزیون و پذیرش انفعالی پرخاشگری که از بازیگران سر می‌زند، وجود دارد ... تلویزیون موقعیت تازه بنیادی را ابقا و به رشد پرخاشگری کودکان کمک می‌کند». گروهی دیگر از پژوهشگران با این موضع مخالفند. برای مثال فریدمن^۳ (۱۹۸۴: ۵۷) چنین نتیجه‌گیری می‌کند: «نوشته‌های موجود این فرضیه را که تماشای خشونت در تلویزیون با پرخاشگری در دنیای واقعی ارتباط دارد، تأیید نمی‌کند. این فرضیه ظاهر موجهی دارد، اما شواهد لازم برای تأیید آن اندک است».

در رویارویی با یک پیام خشن یا یک الگو، نخستین چیزی که یک کودک باید انجام

1. Parke

2. Slaby

3. Freedman

دهد، توجه به مدل یا الگو است. توجه با انواع متغیرها از جمله جذابیت و قدرت مدل و شرایطی که رفتار در آن مشاهده می‌شود، مشخص می‌گردد. در این میان، تأثیر مدل والدین بر کودک بسیار زیاد است، زیرا کودک از آغاز، بیش از هر کس به رفتار والدین خود توجه می‌کند. برای مثال رفتار ضداجتماعی و پرخاشگرانه پدر در خانواده بر تشدید پرخاشگری کودک تأثیر زیادی دارد (گروسس^۱ ۱۹۷۲ و لیتلون^۲، ۱۹۸۰). بندورا^۳ (۱۹۷۱-۱۹۹۴) معتقد است شناخت اجتماعی از طریق استفاده از برنامه‌ها و

پیام‌های رسانه‌ای به هر یک از سه شیوه زیر عمل می‌کند:

۱. یادگیری مشاهده‌ای ۲. تأثیرات بازدارنده (مشاهده الگویی که به دلیل بروز رفتار خاصی تنبیه شده است) ۳. تأثیراتی که بازدارنده نیستند (مشاهده مدلی که برای رفتار تهدیدآمیز یا منع شده‌ای، پاداش می‌گیرد یا تنبیه نمی‌شود). طبق این دیدگاه، تقویت جایگزین از طریق تلویزیون نقش اصلی را در شناخت اجتماعی ایفا می‌کند و روبه‌رو شدن با موقعیت‌های تعاملی مشابه (مانند کشمکش‌ها و رفتارهای خشونت‌آمیز در خانواده)، شرایط مناسبی برای بروز رفتار مشاهده‌شده، فراهم می‌آورد. توسلی (۱۳۷۹)، معتقد است: «تعلیم و تربیتی که پدر و مادر و سایر نزدیکان کودک در خانه نسبت به او اعمال می‌کنند یا در خارج از خانه برای او فراهم می‌کنند، سنگ زیرین بنای شخصیت کودک است».

به ظاهر هیچ عامل واحدی مانند تماشای خشونت در برنامه‌های تلویزیونی به تنهایی شرط لازم یا کافی برای به وجود آمدن رفتار پرخاشگرانه و خشونت‌آمیز نیست. یعنی، ممکن است تلویزیون تأثیر زیادی بر زندگی کودکان بر جای بگذارد، اما این تأثیر در بستر وسیعی از عوامل جای می‌گیرد (برهم^۴ و کازین^۵، ۱۹۹۸).

-
1. Grusec
 2. Lytton
 3. Bandura
 4. Breheme
 5. Kassin

مبنای نظری پژوهش

نظریه‌های مربوط به تأثیر برنامه‌های خشونت‌آمیز تلویزیونی بر رفتار اجتماعی کودکان از سه حوزه علوم اجتماعی سرچشمه می‌گیرند، روان‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی معطوف به جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی. در روان‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی معطوف به جامعه‌شناسی، به‌طور عمده بر دو متغیر مستقل و وابسته، یعنی تماشای خشونت تلویزیونی و رفتار کودک تأکید شده و متغیرهای دیگر یا متغیرهای واسطه نادیده گرفته شده‌اند. این نظریه‌ها، از جمله نظریه یادگیری اجتماعی، نظریه شناختی اجتماعی، نظریه سرنخ‌های پرخاشگری، نظریه پرورش و نظریه آرامش یا تخلیه هیجان به‌طور عمده بر صورت‌بندی محرک (خشونت تلویزیونی) و پاسخ (رفتار) تکیه کرده‌اند.

اما در نظریه‌های جامعه‌شناختی و تا حدودی روان‌شناسی معطوف به جامعه‌شناسی، نقش متغیرهای واسطه، در تحلیل خشونت تلویزیونی و رفتار کودکان از اهمیت شایانی برخوردار است. از نظر پژوهشگر، الگوی تبیینی (پارادایم) جامعه‌شناختی که بیش از الگوهای دیگر، فرایندهای واسطه را در حد فاصل تماشای خشونت و رفتار مدنظر قرار داده است، یعنی الگوی تبیینی کارکردگرایی ساختی، برای تبیین موضوع تأثیر برنامه‌های خشونت‌آمیز تلویزیونی بر رفتار کودکان مناسب‌تر تشخیص داده شد.

در الگوی تبیینی کارکردگرایی ساختی برای بیان تأثیر رسانه‌های جمعی بر مخاطبان نکات ارزشمندی ارائه شده است. براساس این الگو که از دیدگاه‌های پل لازارسفلد^۱ (۱۹۵۵) و رابرت هورتون^۲ (۱۹۷۸) نشئت می‌گیرد:

۱. رسانه‌ها به‌ندرت به‌طور مستقیم بر افراد تأثیر می‌گذارند. افراد آنچه را از طریق رسانه می‌شنوند، می‌بینند یا می‌خوانند به سادگی باور نمی‌کنند.

۲. اگر هم رسانه‌های جمعی تأثیری بر جای بگذارند، تأثیرشان ناچیز است و شمار اندکی را دربر می‌گیرد. شماری که به‌طور معمول از تأثیر افراد دیگر گسسته‌اند یا پیوندهای گروهی درازمدت آنها بر اثر بحران اجتماعی آسیب دیده، ممکن است تحت تأثیر رسانه قرار گیرند.

۳. نقش رسانه‌های جمعی در جامعه محدود است. رسانه‌های جمعی بیشتر

1. Lazarsfeld

2. Horton

گرایش‌های اجتماعی موجود را تقویت می‌کنند و به‌ندرت باعث تغییر در رفتار اجتماعی می‌شوند. تنها زمانی رسانه‌های جمعی باعث تغییر می‌شوند که بسیاری از موانعی که در برابر تأثیر آنها قرار دارند با شرایط بسیار غیرمعمول در هم شکسته شوند. بنابراین، براساس الگوی تبیینی کارکردگرایی ساختی، عوامل محیطی و اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای در اثر بخشی خشونت تلویزیونی بر کودکان دارند. الگوی تحلیلی پژوهش حاضر با تکیه بر نظریه «اثرات محدود رسانه‌ها»، بر این مبناست که تماشای خشونت تلویزیونی بر تأیید خشونت، توسل به خشونت و رفتار انحرافی تأثیر می‌گذارد و از پایگاه اجتماعی-اقتصادی و رفتار والدین تأثیر می‌پذیرد. بنابراین متغیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی کودکان و رفتار والدین با آنان در حد فاصل تماشای خشونت و تأیید خشونت، توسل به خشونت و رفتار انحرافی دانش‌آموزان قرار گرفته است.

فرضیه‌های پژوهش

۱. بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده کودکان و تماشای خشونت تلویزیونی از سوی کودکان رابطه وجود دارد.
۲. بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده کودکان و توسل کودکان به خشونت رابطه منفی وجود دارد.
۳. بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده کودکان و تأیید خشونت از سوی آنان رابطه منفی وجود دارد.
۴. بین رفتار خشونت‌آمیز و طردکننده والدین با کودکان و تماشای خشونت تلویزیونی از سوی کودکان رابطه مثبت وجود دارد.
۵. بین رفتار خشونت‌آمیز والدین با کودکان و توسل کودکان به خشونت رابطه مثبت وجود دارد.
۶. بین رفتار خشونت‌آمیز والدین با کودکان و تأیید خشونت از سوی کودکان رابطه مثبت وجود دارد.
۷. بین رفتار مسالمت‌آمیز والدین با کودکان و تماشای خشونت تلویزیونی از سوی کودکان رابطه منفی وجود دارد.

۸. بین رفتار مسالمت‌آمیز والدین با کودکان و تأیید خشونت از سوی کودکان رابطه منفی وجود دارد.
۹. بین رفتار مسالمت‌آمیز والدین با کودکان و توسل کودکان به خشونت رابطه منفی وجود دارد.

روش تحقیق

این پژوهش به شیوه پیمایشی و بر روی نمونه ۱۰۱۶ نفری از دانش‌آموزان دختر و پسر پایه چهارم و پنجم ابتدایی در کلیه نواحی آموزش و پرورش شهر تهران که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده‌اند، انجام شده است. از این تعداد ۵۵/۳ درصد را پسران و ۴۴/۷ درصد را دختران تشکیل داده‌اند.

ابزار پژوهش در این پژوهش علاوه بر پرسشنامه محقق ساخته از سنجش تأیید خشونت زاکس^۱ و والترز^۲ (۱۹۵۷) و سنجش تأیید خشونت باس و دورکی^۳ (۱۹۵۷)، استفاده شده است. آلفای کرونباخ، پایایی و هماهنگی درونی ابزار پژوهش را به‌طور متوسط ۰/۷۵ نشان می‌دهد (پرسشنامه‌ها از سوی پدران تکمیل شده است).

متغیرهای پژوهش

خشونت تلویزیونی: برکوویتز^۳، خشونت را «هر نوع رفتار که به منظور وارد کردن جراحت جسمی و روحی صورت گیرد» تعریف کرده است (به نقل از گونتر و هریسون، ۱۹۹۸). در این پژوهش نیز منظور از خشونت تلویزیونی «عملی است که باعث درد و رنج جسمی و اجتماعی بازیگران سریال‌ها و فیلم‌های داستانی شود». تأیید خشونت تلویزیونی: منظور این است که کودک تا چه حد به‌کارگیری خشونت را روش قابل قبولی می‌داند.

توسل به خشونت: منظور به‌کارگیری خشونت در زندگی واقعی و هنگام رویارویی کودک با مشکلات، است.

1. Zaks
2. Walters
3. Berkowitz

میزان تماشای خشونت تلویزیونی از سوی کودک: منظور مدت زمان تماشای برنامه‌های خشونت‌آمیز از سوی کودک است.

رفتار والدین با کودک: در این پژوهش، منظور از رفتار مسالمت‌آمیز والدین یا رفتارهای مثبت آنان، بوسیدن کودک، اظهار علاقه، شنیدن صحبت‌های کودک و ... منظور از رفتار طردکننده والدین یا رفتارهای منفی آنان فریاد کشیدن، حبس کردن کودک، طرد کردن کودک و ... بوده است.

پایگاه اجتماعی-اقتصادی پاسخگویان: منظور میزان درآمد ماهانه و سطح رفاه خانواده است که در این پژوهش با استفاده از شاخص‌های عمده و متداول مانند وضع تصرف واحد مسکونی، میزان اجاره‌بها، نوع خودرو، میزان درآمد ماهانه و ... از طریق پرسشنامه سنجیده شده است.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱- میزان تماشای خشونت در کودکان بر حسب جنس (درصد)

| کل | دختران | پسران | جنس |
|------|--------|-------|-------------|
| | | | میزان تماشا |
| ۳۵/۴ | ۳۴/۶ | ۳۶ | زیاد |
| ۵۷/۴ | ۵۶/۶ | ۵۸ | متوسط |
| ۷/۲ | ۸/۸ | ۶ | کم |
| ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | جمع |

همان‌گونه که جدول ۱ نشان می‌دهد، ۳۴/۶ درصد دختران، به میزان «زیاد»، ۵۶/۶ درصد در حد «متوسط» و ۸/۸ درصد در حد «کم» به برنامه‌های خشونت‌آمیز نگاه می‌کنند و در مقابل، ۳۶ درصد پسران، در حد «زیاد» ۵۸ درصد در حد «متوسط» و ۶ درصد در حد «کم» بیننده این نوع برنامه‌های تلویزیونی هستند. نتایج آزمون خی‌دو نشان داد بین دختران و پسران در میزان تماشای خشونت تلویزیونی تفاوت معناداری وجود ندارد.

$$۱. \chi^2 = ۲/۲۲۹ \quad d.f = ۲ \quad sig = ۰/۲۵۶$$

رابطه رفتار والدین و پایگاه اجتماعی - اقتصادی با تماشای خشونت تلویزیونی ... ❖ ۴۵

جدول 2- میزان تأیید خشونت از سوی کودکان بر حسب جنس (درصد)

| کل | دختران | پسران | جنس |
|------|--------|-------|-------------|
| | | | میزان تأیید |
| ۴/۵ | ۵ | ۴/۲ | زیاد |
| ۴۹/۵ | ۵۱ | ۴۸/۲ | متوسط |
| ۴۶ | ۴۴ | ۴۷/۶ | کم |
| ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | جمع |

همان گونه که جدول ۲ نشان می دهد، ۵۱ درصد از دختران و ۴۸/۲ درصد از پسران، در حد «متوسط» خشونت را تأیید می کنند. در حالی که نتایج آزمون آماری نشان می دهد بین دختران و پسران در تأیید خشونت تلویزیون، تفاوت معناداری وجود ندارد

جدول 3- میزان توسل به خشونت در کودکان بر حسب جنس (درصد)

| کل | دختران | پسران | جنس |
|------|--------|-------|------------|
| | | | میزان توسل |
| ۱۱/۷ | ۱۱ | ۱۲/۳ | زیاد |
| ۳۹/۱ | ۴۰ | ۳۸/۴ | متوسط |
| ۴۹/۲ | ۴۹ | ۴۹/۳ | کم |
| ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | جمع |

همان گونه که جدول ۳ نشان می دهد، پسران ۳۸/۴ درصد و دختران ۴۰ درصد، در حد «متوسط» در مواقع واقعی به خشونت متوسل می شوند. اما نتایج آزمون آماری

۱. $\chi^2 = 1/732$ d.f = 2 sig = 0/421

خی دو، تفاوت معناداری را بین دختران و پسران در توسل به خشونت نشان نداد.

۱. $\chi^2 = ۰/۵۸۵$ $d.f = ۲$ $sig = ۰/۷۴۶$

رابطه رفتار والدین و پایگاه اجتماعی - اقتصادی با تماشای خشونت تلویزیونی ... ❖ ۴۷

جدول 4 - ضریب همبستگی میزان تماشای خشونت، تأیید خشونت و توسل به خشونت از سوی کودک و رفتار والدین و پایگاه اجتماعی - اقتصادی آنان

| متغیرها | تماشای خشونت | پایگاه اجتماعی اقتصادی | رفتار خشونت‌آمیز والدین | توسل کودک به خشونت | تأیید خشونت از سوی کودک | رفتار مسالمت‌آمیز والدین |
|--------------------------|--------------|------------------------|-------------------------|--------------------|-------------------------|--------------------------|
| تماشای خشونت | ۱ | ۰/۰۵۴ | ۰/۱۵۲ | ۰/۱۷۰ | ۰/۰۹۶ | ۰/۱۰۲ |
| پایگاه اجتماعی اقتصادی | ۰/۰۵۴ | ۱ | -۰/۱۴۰ | -۰/۰۰۸ | -۰/۰۱۶ | -۰/۲۰۵ |
| رفتار خشونت‌آمیز والدین | ۰/۱۵۲ | -۰/۱۴۰ | ۱ | ۰/۳۲۰ | ۰/۱۳۸ | -۰/۲۶۷ |
| توسل کودک به خشونت | ۰/۱۷۰ | -۰/۰۰۸ | ۰/۳۲۰ | ۱ | ۰/۲۱۷ | -۰/۱۲۰ |
| تأیید خشونت از سوی کودک | ۰/۰۹۶ | -۰/۰۱۶ | ۰/۱۳۸ | ۰/۲۱۷ | ۱ | ۰/۰۱۱ |
| رفتار مسالمت‌آمیز والدین | ۰/۱۰۲ | ۰/۲۰۵ | -۰/۲۶۷ | -۰/۱۲۰ | ۰/۰۱۱ | ۱ |

- آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن نشان داد بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده، با تماشای خشونت تلویزیونی، تأیید خشونت و توسل به خشونت، رابطه معناداری وجود ندارد. یعنی، کودکان هر سه طبقه اجتماعی - اقتصادی (بالا، متوسط و پایین)، به یک نسبت به تماشای خشونت تلویزیونی می‌نشینند، خشونت‌ها تأیید می‌کنند و هنگام رویارویی با مشکلات آن را به‌کار می‌بندند.

۱. rs = ۰/۰۴۵ sig = ۰/۱۵

۲. rs = ۰/۰۱۶ sig = ۰/۶۱۱

۳. rs = ۰/۰۲۰ sig = ۰/۵۲

- نتایج نشان می‌دهد بین رفتار خشونت‌آمیز و منفی والدین (رفتار پردکننده والدین، فریاد کشیدن آنها، حبس کردن کودک و ...) با فرزندان و میزان تماشای خشونت تلویزیونی^۱، تأیید خشونت^۲ و توسل به خشونت از سوی کودکان^۳، رابطه مثبت معناداری وجود دارد. چنان که نتایج جدول ۴ نیز نشان می‌دهد، کودکانی که والدین شان رفتار خشونت‌آمیز دارند، بیشتر به تماشای خشونت می‌نشینند ($R = ۰/۱۵۲$)، بیشتر خشونت را تأیید می‌کنند ($R = ۰/۱۳۸$) و بیشتر خشونت را به کار می‌گیرند ($R = ۰/۳۲۰$).

- بین رفتار مسالمت‌آمیز و مثبت والدین با کودک (بوسیدن او، اظهار علاقه، شیندن صحبت‌ها و ...) و میزان تماشای خشونت تلویزیونی و تأیید خشونت از سوی او^۴ رابطه معناداری وجود ندارد. همان طور که یافته‌های جدول ۴ نشان می‌دهد، کودکانی که والدین شان رفتار مسالمت‌آمیزی با آنان دارند، کمتر به خشونت متوسل می‌شوند ($R = -۰/۱۲۰$).

- با استفاده از رگرسیون چندگانه، ارتباط پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده، تماشای خشونت تلویزیونی و تأیید خشونت از سوی کودکان بررسی شد و مقدار رگرسیون ۹۹ درصد به دست آمد. همان طور که جدول ۴ نشان می‌دهد در بررسی دو متغیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی و تأیید خشونت (متغیر وابسته)، مقدار ضریب همبستگی $-۰/۰۱۶$ بوده است، در مقایسه این مقدار با مقدار رگرسیون ($۰/۹۹$)، می‌بینیم که ضریب همبستگی، با اضافه شدن یک متغیر مستقل دیگر (تماشای خشونت)، به $۰/۱۱۵$ افزایش می‌یابد. جدول ضرایب (جدول ۵) و معادله رگرسیون چندگانه بین تماشای خشونت و پایگاه اجتماعی-اقتصادی در تأیید خشونت به قرار زیر است:

$$۱/۳۴۱ + (\text{پایگاه اجتماعی} - \text{اقتصادی} \times ۰/۰۰۷) - (\text{تماشای خشونت} \times ۰/۰۱۹) = \text{تأیید خشونت}$$

| | |
|-----------------|----------------|
| ۱. $rs = ۰/۱۵۵$ | $sig = ۰/۰۰۰۱$ |
| ۲. $rs = ۰/۱۳۸$ | $sig = ۰/۰۰۰۱$ |
| ۳. $rs = ۰/۳۲۶$ | $sig = ۰/۰۰۰۱$ |
| ۴. $rs = ۰/۰۱۱$ | $sig = ۰/۷۳۰$ |

جدول 5 - ضرایب

| سطح معناداری | t | ضرایب استاندارد | ضرایب غیراستاندارد | | متغیرها |
|--------------|--------|-----------------|--------------------|--------|--------------------------|
| | | Beta | خطای استاندارد | B | |
| ۰/۰۰۰۱ | ۶/۲۰۵ | | ۰/۲۱۶ | ۱/۳۴۱ | ثابت |
| ۰/۰۰۰۱ | -۰/۶۷۹ | -۰/۰۲۱ | ۰/۰۱۰ | -۰/۰۰۷ | پایگاه اجتماعی - اقتصادی |
| ۰/۰۰۰۱ | ۳/۱۱۶ | ۰/۰۹۸ | ۰/۰۰۶ | ۰/۰۱۹ | تماشای خشونت |

جدول ۵ نشان می‌دهد که تغییری به اندازه یک واحد انحراف معیار در متغیر تماشای خشونت، موجب ۰/۰۹۸ انحراف معیار تغییر در تأیید خشونت می‌شود، در حالی که تغییر به اندازه یک واحد انحراف معیار در پایگاه اجتماعی - اقتصادی، باعث ۰/۰۲۱ انحراف معیار تغییر در تأیید خشونت می‌شود. به عبارت دیگر، تماشای خشونت تلویزیونی از سوی کودکان در پایگاه‌های اجتماعی - اقتصادی پایین‌تر، بیشتر سبب تأیید خشونت از جانب کودکان می‌شود.

- در بررسی رابطه پایگاه اجتماعی - اقتصادی، تماشای خشونت تلویزیونی و توسل کودک به خشونت، مقدار رگرسیون مقدار ۰/۱۷۱ به دست آمده است و چنان که جدول ۴ نشان می‌دهد، هنگامی که برای پیش‌بینی میزان توسل کودکان به خشونت از متغیر مستقل پایگاه اجتماعی - اقتصادی استفاده می‌شود، مقدار R برابر با (۰/۰۰۸-) است و در مقایسه با ۰/۱۷۱، می‌بینیم که با افزودن یک متغیر مستقل دیگر (تماشای خشونت) افزایش می‌یابد، جدول ضرایب (جدول ۶) و معادله رگرسیون چندگانه بین تماشای خشونت و پایگاه اجتماعی - اقتصادی در توسل به خشونت به صورت زیر است:

$$۰/۳۵۷ + (\text{پایگاه اجتماعی - اقتصادی } ۰/۰۴۵-) + (\text{تماشای خشونت } ۰/۱۵۵) = \text{توسل کودک به خشونت}$$

جدول 6 - ضرایب

| سطح معنی داری | t | ضرایب استاندارد | ضرایب غیراستاندارد | | متغیرها |
|---------------|--------|-----------------|--------------------|--------|--------------------------|
| | | Beta | خطای استاندارد | B | |
| ۰/۰۰۰۱ | ۵/۴۹ | | ۰/۹۷۶ | ۵/۳۵۷ | لبهت |
| ۰/۵۷۴ | -۰/۵۶۳ | -۰/۰۱۷ | ۰/۰۴۴ | -۰/۰۲۵ | پایگاه اجتماعی - اقتصادی |
| ۰/۰۰۰۱ | ۵/۵۱۵ | ۰/۱۷۱ | ۰/۰۲۸ | ۰/۱۵۵ | تماشای خشونت |

جدول ۶ نشان می‌دهد تماشای خشونت تلویزیونی در مقایسه با متغیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی، تأثیر بیشتری در توسل کودکان به خشونت داشته است اما در سطوح مختلف پایگاه‌های اجتماعی-اقتصادی، تماشای خشونت تلویزیونی به یک نسبت باعث توسل کودکان به خشونت می‌شود.

- مقدار رگرسیون در بررسی سه متغیر، رفتار خشونت‌آمیز والدین با کودکان و تماشای خشونت تلویزیونی و تأیید خشونت، ۰/۱۵۸ بوده است. اطلاعات جدول ۴ نیز نشان می‌دهد، در بررسی رابطه دو متغیری برای پیش‌بینی میزان تأیید خشونت کودکان از متغیر مستقل رفتار خشونت‌آمیز والدین، ضریب همبستگی بین آنها برابر با ۰/۱۳۸ بوده است. در واقع با افزودن متغیر مستقل تماشای خشونت تلویزیونی، میزان این همبستگی ۰/۰۲ افزایش می‌یابد که چندان قابل توجه نیست. معادله رگرسیون چندگانه و جدول ضرایب (جدول ۷) به قرار زیر است:

$$۰/۸۵ + (تماشای خشونت ۰/۰۱۵) + (رفتار خشونت‌آمیز والدین ۰/۰۳۵) = تأیید خشونت از سوی کودکان$$

جدول ۷ - ضرایب

| سطح معنی‌داری | t | ضرایب استاندارد | ضرایب غیراستاندارد | | متغیرها |
|------------------|-------|--------------------|--------------------|-------|-------------------------|
| | | Beta | خطای استاندارد | B | |
| ۰/۰۰۰۱ | ۴/۶۳۱ | | ۰/۱۵۸ | ۰/۸۵۸ | لذت |
| ۰/۰۰۰۱ | ۴/۰۲۶ | ۰/۱۲۶ | ۰/۰۰۴ | ۰/۰۱۵ | رفتار خشونت‌آمیز والدین |
| ۰/۰۱۴ | ۲/۴۵۹ | ۰/۰۷۷ | ۰/۰۰۶ | ۰/۰۱۵ | تماشای خشونت تلویزیونی |

جدول ۷ نشان می‌دهد متغیر رفتار خشن والدین بیشتر از تماشای خشونت بر تأیید خشونت از سوی کودکان مؤثر است.

- در بررسی سه متغیر رفتار مسالمت‌آمیز والدین با کودکان و تماشای خشونت تلویزیونی و تأیید خشونت از سوی کودکان، مقدار رگرسیون $۰/۰۶۴$ به‌دست آمده است.

اطلاعات جدول ۴ نشان می‌دهد در بررسی دو متغیری، وقتی از متغیر رفتار مسالمت‌آمیز والدین برای پیش‌بینی میزان تأیید خشونت استفاده می‌شود، مقدار R برابر با $۰/۰۱۱$ است. یعنی افزودن متغیر تماشای خشونت، میزان همبستگی را به $۰/۰۷۵$ افزایش می‌دهد. جدول ضرایب (جدول ۸) و معادله رگرسیون به قرار زیر است:

$$۲/۲۹۴ + (\text{رفتار مثبت والدین} \times ۰/۰۰۹) + (\text{تماشای خشونت} \times ۰/۰۶۲) = \text{تأیید خشونت}$$

جدول ۸ - ضرایب

| سطح معنی داری | t | ضرایب استاندارد | ضرایب غیراستاندارد | | متغیرها |
|---------------|-------|-----------------|--------------------|-------|--------------------------|
| | | Beta | خطای استاندارد | B | |
| ۰/۰۰۰ | ۳/۳۲۶ | | ۰/۰۷۶ | ۲/۲۹۴ | ثابت |
| ۰/۷۸۷ | ۰/۲۷۱ | ۰/۰۰۹ | ۰/۰۳۴ | ۰/۰۰۹ | رفتار مسالمت‌آمیز والدین |
| ۰/۰۴۵ | ۲/۰۰۹ | ۰/۰۶۳ | ۰/۰۳۱ | ۰/۰۶۲ | تماشای خشونت از سوی کودک |

جدول ۸ نشان می‌دهد تماشای خشونت تلویزیونی بیش از رفتار مسالمت‌آمیز

والدین بر تأیید خشونت از سوی کودکان، مؤثر است.

- در بررسی سه متغیر رفتار مسالمت‌آمیز والدین، تماشای خشونت تلویزیونی و توسل

کودکان به خشونت مقدار رگرسیون ۰/۲۱۹ به دست آمده است. جدول ۴ نیز نشان

می‌دهد در بررسی رابطه دو متغیری و برای پیش‌بینی میزان توسل کودکان به

خشونت از متغیر مستقل رفتار مثبت والدین، مقدار R برابر با ۰/۱۲۰- است. در

مقایسه با مقدار رگرسیون چندمتغیره می‌بینیم که با ورود متغیر تماشای خشونت،

میزان همبستگی به مقدار ۰/۳۹۹ افزایش یافته است.

جدول ضرایب (جدول ۹) و معادله رگرسیون به قرار زیر است:

$$۹/۲۵۳ + (رفتار مسالمت‌آمیز ۰/۰۶۵) + (تماشای خشونت ۰/۱۶۸) = \text{توسل کودک به خشونت}$$

جدول ۹ - ضرایب

| سطح معنی داری | t | ضرایب استاندارد | ضرایب غیراستاندارد | | متغیرها |
|------------------|--------|--------------------|--------------------|--------|-----------------------------|
| | | Beta | خطای استاندارد | B | |
| ۰/۰۰۰۱ | ۷/۷۹۲ | | ۱/۸۸ | ۹/۲۵۳ | ثابت |
| ۰/۰۰۰۱ | -۴/۵۰۱ | -۰/۱۳۹ | ۰/۰۱۵ | -۰/۰۶۵ | رفتار مسالمت‌آمیز والدین |
| ۰/۰۰۰۱ | ۰/۹۷۶ | ۰/۱۸۴ | ۰/۰۲۸ | ۰/۱۶۷ | تماشای خشونت از سوی کودک |

جدول ۹ نشان می‌دهد تماشای خشونت بیشتر از رفتار مسالمت‌آمیز والدین با کودک بر توسل او به خشونت تأثیر داشته است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج نشان می‌دهد بین دختران و پسران در تماشای خشونت و تأیید و توسل به خشونت تفاوت معناداری وجود ندارد. همچنین بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده و تماشا و تأیید خشونت و توسل به آن از سوی کودک رابطه معناداری وجود ندارد. اما در طبقات اجتماعی-اقتصادی پایین، تماشای خشونت تلویزیونی، بر افزایش تأیید خشونت در کودک مؤثر است.

همچنین بین رفتار مسالمت‌آمیز والدین و تأیید و توسل کودک به خشونت رابطه معناداری وجود ندارد اما باز هم تماشای خشونت تلویزیونی، حتی در حضور والدینی با رفتار مثبت و مسالمت‌آمیز سبب افزایش تأیید خشونت در کودک می‌شود. نتایج فوق نشان می‌دهد که در مجموع، جاذبه و کشش صحنه‌های خشونت‌آمیز و هیجان‌انگیز تلویزیونی سبب تمایل بیشتر کودک برای تماشا و تأیید خشونت می‌شود.

همچنین بین رفتار مسالمت‌آمیز والدین و میزان تماشای خشونت تلویزیونی، تأیید خشونت و توسل به آن در کودکان رابطه مثبت معناداری وجود دارد. چنان که در اینجا، رفتار خشونت‌آمیز والدین، بیشتر از میزان تماشای خشونت بر تأیید خشونت از سوی کودک مؤثر است. این یافته مؤید این نکته است که «آمادگی‌های پیشین» کودک (تفکر کودک در ارزیابی صحنه‌های خشونت‌آمیز تلویزیونی)، از نحوه جامعه‌پذیری او در خانواده و محیط اجتماعی سرچشمه می‌گیرد و چگونگی نگرش او به صحنه‌های خشونت‌آمیز را تعیین می‌کند.

براساس این دیدگاه، افراد بر حسب تجربه‌های گذشته خود، به صحنه‌های خشونت‌آمیز تلویزیونی توجه می‌کنند و به ادراک آنها می‌پردازند و آنها را به یاد می‌سپارند. بنابراین نقش جامعه‌پذیری کودک در ارزیابی صحنه‌های خشونت‌آمیز تلویزیونی از اهمیت شایانی برخوردار است.

پیشنهادها

با توجه به دو یافته مهم این پژوهش، یعنی «رویارویی و تماشای زیاد خشونت تلویزیونی سبب تأیید خشونت از سوی کودکان می‌شود» و «رفتار خشونت‌آمیز والدین، تمایل کودک به تماشای خشونت، تأیید خشونت و توسل به آن را افزایش می‌دهد»، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱. ایجاد رابطه‌ای صحیح، نزدیک و مسالمت‌آمیز بین والدین با فرزند و درک و پذیرش او در محیط خانواده، به خانواده‌ها توصیه می‌شود.
۲. دقت والدین به نوع و محتوای برنامه‌هایی که فرزندشان انتخاب و تماشا می‌کند و همراهی با او در تماشای برنامه‌های مختلف و ارائه آگاهی‌های لازم در مورد واقعیات و مسایل پشت صحنه فیلم‌های خشن و توضیح درباره این نوع برنامه‌ها برای کودک، نکته‌ای است که خانواده‌ها و والدین باید به آن دقت و توجه داشته باشند.
۳. مکاتبه والدین با شبکه‌های تلویزیونی یا برقراری ارتباط با این شبکه‌ها به منظور بیان نظرها و پیشنهادهای خود می‌تواند برای برنامه‌سازان مفید باشد.
۴. تشکیل یک انجمن ملی برای بررسی و ارزیابی برنامه‌های تلویزیونی از سوی والدین. این کار را می‌توان با حمایت یک بنیاد یا کمک‌های مالی افراد علاقه‌مند انجام

داد و این سازمان را سخنگوی جامعه در قبال برنامه‌های تلویزیونی به‌شمار آورد. انجمن می‌تواند با دعوت کارشناسان و متخصصان به برگزاری سمینارها و همایش‌ها مبادرت ورزد، دیدگاه‌های والدین و کودکان را بررسی کند، آنان را با مسئولان امر آشنا سازد و اخبار را از طریق رسانه‌ها به اطلاع مردم برساند.

۵. پیشنهاد می‌شود سازندگان برنامه‌های کودک برای تهیه برنامه‌های عاری از صحنه‌های خشونت‌آمیز یا دست‌کم، برنامه‌هایی که تعداد وقایع خشونت‌آمیز آنها کمتر است، تلاش کنند. برای القای مضمون ضدخشونت در برنامه‌های خشونت‌آمیز تلویزیونی چهار روش مختلف توصیه می‌شود:

- استفاده از جایگزین‌هایی برای خشونت جسمانی

- نمایش درد و رنج حاصل از خشونت بویژه در خانواده، دوستان و نزدیکان کسی که متوسل به خشونت می‌شود.

- ابراز اکراه و ندامت مکرر شخصیت‌های اصلی از ارتکاب اعمال خشونت‌آمیز

- نمایش خشونتی که به جای پاداش، کیفر دارد.

۶. استفاده کمتر از خشونت در برنامه‌های مختلف و استفاده نکردن از قالب‌های

قدیمی نمایش خشونت (قالب‌هایی که در آنها خشونت اقدامی موجه برای حل مشکلات به‌شمار می‌آید و شخصیت‌های خشن پیوسته از چنگ قانون می‌گریزند و رنج قربانیان به ندرت نمایش داده می‌شود) و کاهش صحنه‌های خشونت‌آمیز پرجاذبه، توصیه می‌شود.

۷. در صورت نمایش خشونت، لازم است برنامه‌سازان تأکید بیشتری بر مضامین

ضدخشونت داشته باشند.

منابع

توسلی، غلامعباس. (۱۳۷۹). عوامل اجتماعی تعلیم و تربیت. فصلنامه تعلیم و تربیت

نشریه پژوهشکده تعلیم و تربیت وزارت آموزش و پرورش، سال شانزدهم (۳).

Bandura, A. (1974). **Behavior Theory and the Modes of Man**. American psychologists, 29, pp 589-869.

- Bandura, A. (1969). Social Learning Theory of Identification Processes. In D.A. Goslin (Ed). Handbook of Socialization Theory and Rand McNany.
- Breheme, Sharon & Kassin M.Saul. (1998). **Social psychology**, Houghton Miffim company . PP. 367.
- Buss, AK. (1975). The Emerging Field of Sociology of Psychological Knowledge. **American Psychologist**, 30, pp. 988-1002.
- Fredrich L.K, & Stein A.H. (1973). **Aggressive and prosaic television programs and natural behavior of preschool children**. Monographs of the Society for Research in child Development 38, (No 4, whole No 151).
- Freedman, J.L. (1984). Effects of Television Violence on Aggressiveness **Psychological Bulletin**, 96, 227-246.
- Gerbner, G., Gross, L., Morgan. M. and Signorelli, N. (1994). Growing up with Television: The Cultivation Perspective. In: Bryant, J., and zillmann, D. (Ed) . **Media effects: Advances in theory And research**, Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Grusec, J.E. (1972). Demand Characteristics of Modeling Experiment, Altruism as a function of Age and Aggression. **Journal of personality and Social psychology**, 22.pp.139-148.
- Gunter, B & Harrison, J. (1998) **Violence on television: An analysis of amount, nature, location and origin of violence in British programs**. Routledge.
- Heterington (Ed), **Handbook of Child psychology** (4th ed., Vol 4)
- Hodge. Bob. & Tripp, David, (1986). **Children and television**. Polity press.
- Horton, Robert & Santagrossi, David. (1978). The Effect of Adult Commentary on Reducing the Influence of Televised Violence. **Personality and Psychology bulletin**, VoL 4 (2).
- Lazarsfeld, P.F. (1955). **Why is so little know about the effects of television**

and what can be done? Public Opinion. Quarterly. 19. 243-251.

Lytton, H. (1980). **Parent child interaction: The Socialization observed In twin and singletor, families.** New York: Plenum Press.

New York: John wiley and sons.

Parke, R.D. & slaby, R.G. (1983). The Development of Aggression. In: E.M.

Potter, W.j., Warren, R. (1996). Considering Policies to Protect Children from T.V. Violence, **Journal of Communication**, 46 (4), 116 -138.

use and Grasp of the Medium, Human Communication research, 11 (4).

Velicer, W.F., Govia, J. M., cherico, N.P., & Corriveau D.P. (1985). A Measurement model for measuring attitudes toward violence, **Personality and Social Psychology Bulletin**, Vol. 15, No 3, 349 -364.

Walters, J.D Pearce. D. and Dahms, L. (1957). affection and aggressive behavior of preschool children. **Child Development**, 28,15-26.

Wislon, B.j , Kunkel D., Potter, D, Doner, N., Smith, S.L: (1996). **Broadcasting of violence in American tv.** A Quantitative Panaroma.